

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد عزیزم از طلاب قم هشتم و ۳ سالیست با اندیشه شما آشنا شده ام و با مطالعه کتب شما بالاخص سلوک ذیل اندیشه امام که خود شما به بنده در سوالیکه کرده بودم پیشنهاد دادید، حیاتی جدید پیدا کردم اما مدتیست متحیر گشته ام وان مساله تولید علم هست که حضرت اقا مدت ۱۲ ساله که از حوزه مطالبه میفرماید و ما دنبال اجرای این مهم هستیم تا دین به تمامه در بستر انقلاب اسلامی به ظهور در آید اما آنچه ما از شما آموخته و یافته ایم اینست که باید از عالم حصول به حضور رویم و در این عالم هست که ما سیر داریم بسوی حق. اما آنچه از حوزه میبینیم بجای اجرا در آوردن این امر وحتى بحث تولید علم، این است که دنبال نظام فکری ریاضی گونه هستیم و این گونه با روایات معامله میکنند و ایا این گونه باید دنبال احکام الهی در شئون مختلف دین در تولید علم بود؟! یا نه. لطفا راهنمایی بفرمایید تا در زمینه تولید علم چطور عمل کنیم وحتى تولید علم را در کلام اقا معنا کنید. و سوال دیگر اینکه جایگاه مقدم داشتن علم حصولی برای حضور چقدر و تا چه حد است و ایا میتوان گفت اگر در جایی علم حصولی مثلا در برهان صدیقین یا هر مسئله دیگر چه فقهی چه اخلاقی و چه عرفانی نداشته باشیم در این صورت از آن حضور خاص در آن مسئله محروم یا ناقصیم؟ و در صورت محرومیت باید چه کنیم. با تشکر از استادی که مارا یاری کرده و راه او را نشان ما داده

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در رابطه با فقه به نظر بنده در زمان غیبت امام معصوم بهترین روش همین روشی است که در حوزه معمول است که مجتهدین عمل می کنند تا تکلیف مکلف را از متون دینی استنباط کنند. ولی همین طور که متوجه اید در سایر علوم دینی نباید از جنبه‌ی حضوری آن علوم غفلت کرد که به نظر بنده روش معرفت نفس به خوبی در این امر کمک می کند، آری وقتی می خواهیم با دشمنان عقیده‌ی خود مواجه کنیم باید به روش کلامی عمل نماییم و از استدلال کمک گرفت ولی این غیر از روش فلسفه‌ی اسلامی است که مبتنی بر بدیهیات است، نه برای آن که طرف مقابل را محکوم کنیم بلکه برای آن که انسان طالب حقیقت را اقناع نماییم و در همه‌ی این موارد می توان به تولید علم پرداخت هم در معرفت نفس و عرفان و هم در فقه و کلام و فلسفه. موفق باشید